



بسم الله الرحمن الرحيم

دوشنبه ۷ تیر ۱۳۹۵ / ۲۱ رمضان ۱۴۳۷ / ۲۷ ژوئن ۲۰۱۶ / شماره ۴ / ۱۰ صفحه

وصیت رسول خدا(ص) در شب وفات



امام صادق (ع) از پدرانش... از امیرالمومنین علی ع خبر داد که رسول الله (ص) در شب وفاتش به امام علی (ع) فرمود:
”ای ابا الحسن کاغذ و دواتی بیاور. رسول الله ص وصیتش را به امام علی (ع) املاء نمود تا به جایی رسید که فرمود: یا علی بعد از من دوازده امام است و بعد از آن ها دوازده مهدی خواهد بود... تا به فرزندش (ح م ح د) مستحفظ از آل محمد واگذار نماید. آن ها دوازده امام هستند و پس از آن ها دوازده مهدی خواهند بود، پس(هرگاه وفاتش رسید، وصیت و جانشینی) را به فرزندش که نخستین نزدیکان است، تسلیم می نماید. او سه نام دارد. نامی مانند نام من ونام پدرم وآن عبد الله واحمد واسم سوم مهدی است و او اولین مؤمنین است“
(ترجمه کتاب غیبت شیخ طوسی: ص ۳۰۰ ح ۱۱۱)

نسب سید احمد الحسن(ع)

سید احمدالحسن فرزند سید اسماعیل فرزند سید صالح فرزند سید حسین فرزند سید سلمان فرزند امام محمد بن الحسن العسكري علیه السلام می‌باشد. سید احمد الحسن، وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام می باشد که برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخرالزمان نزد اهل سنت که رسول الله ص بشارت تولد ایشان را دادند. و فرستاده ای از سوی حضرت عیسی ع و حضرت ایلیا ع برای مسیحیان و یهودیان می باشد. ایشان دعوت الهی خود را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام در سال ۱۹۹۹ میلادی در نجف اشرف پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی علیه السلام همچون دعوت رسول الله ص به همه جهان انتشار یافت. ایشان برای اثبات حقانیت خود به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند:
این قانون از سه اصل تشکیل می شود:
۱) نص الهی: یعنی وصیت شب وفات رسول الله ص را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است و ۲) علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده اند و با آن همه علمای ادیان را به تحدی فرا خوانده و ۳) پرچم البیعه شه دعوت به حاکمیت خدا)

سردبیر

اثبات امامت

شیعیان اتباع اهل بیت برای اثبات امامت اهل بیت (ع) و حق آنها برای مردم، از قرآن و روایات دلیل هایی روشن و شفاف می آورند و با آن بر مردم احتجاج می کنند و مشاهده رویاهای صادقانه توسط خود مردم در مورد اهل بیت (ع) و اخبار غیبی که توسط اهل بیت (ع) به مردم داده می شود و شفا دادن مرضیان به اذن خدا توسط اهل بیت (ع) و رفتار و اعمال اهل بیت (ع) به کتاب خدا و شناخت(محکم و متشابه آن و غیره) و وجود وصیت پیامبر (ص) برحقانیت آنها... و با وجود این همه دلیل روشن باز معاندین اهل بیت (ع) در هر زمان می گویند: این چیزها دلیل و برهانی، برای صاحب حق نیست .
و مصیبت امروز مردم ما همانند مصیبت مردم قبل است. ولی این بار با کسانی که ادعای پیروی و شیعه اهل بیت (ع) را دارند !
نزد آنها قرآن و شناخت محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ آن، دلیل و برهان نیست !!! وصیت رسول خدا (ص) در شب وفات دلیل و برهان نیست !!! احادیث صحیح اهل بیت (ع) با سند معتبر دلیل و برهان نیست !!! صدها بلکه هزاران روایت صادقانه معصومین و اهل بیت (ع) که مسیر حق را به مردم نشان می دهد، دلیل و برهان نیست!!! کشفیات (دین عالم ملکوت در مکاشفه) دلیل و برهان نیست !!! اخبارغیبی دلیل و برهان نیستند !!! و آیا معجزات دلیل نیستند؟ آیا سحرند !!! آیا مباحله دلیل و برهان نیست !!! و غیره غیره !!! وسیداحمدالحسن(ع) نیز با تمام دلائل و معجزاتی که پیامبران (ع) و مرسلین وائمه (ع) آورده اند، به سوی شما آمده ام تا بگویند بدون دلیل و برهان آمده است و میان ما جزء عذاب دلیل و برهانی نخواهد نماند .
میان ایشان جزء عذاب دلیل و برهانی باقی نمانده است. جز عذاب آتش جهنم که سوزانده است و خداوند آنها را مورد خطاب قرار می دهد و به آنها می فرماید: «أَفَسِحْرُ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ» «ایا این آتش جهنم هم به نظر شما سحر است یا چشم بصیرت باز نمی کنید؟» طور : ۱۵
امام صادق(ع) در حدیث طولانی فرمودند: «...صاحب این امر به سه شاخصه شناخته می شود که در غیر از او نمی تواند باشد: او اولترین مردم به امام قبلی می باشد و او وصی ایشان است و سلاح رسول (ص) را دارد و وصیت نزد اوست.» (اثبات الهداه ۱/۸ (الکافی ۱/۴۲۸) امام باقر(ع) فرمود: «...اسمش اسم نبی است. اگر در آن دچارمشکل شدید، در عهد وپرچم وسلاح پیامبرخدا دچارمشکل نمی شوید). . الکافی: ۱ / ۳۷۳
نقل از رسول اکرم (ص): «نبوتی بعد از من نیست الا مبشرات. گفتند: مبشرات چیست؟ فرمود: روایای صالحه و روایای صادق قجنی از ۷۰ جزءنبوت است.»

کلام نور (۳)

سیداحمدالحسن(ع):

امروز مسئله‌ای که بر ما واجب است، آماده سازی برای دولت ایشان (امام مهدی (ع)) می‌باشد.

تألیف: تیرماه ۱۳۹۹

بنا بر: چهارماد حق

www.almahdyoon.co

www.zamanezohoor.com

@zaman_zohoor

امام باقر(ع) فرمود: «اگر صدایی که به شما گفتیم، اتفاق نیفتد چه می‌کنید؟ راوی می‌گوید: عرض کردم: به خدا قسم در این مورد به دستور شما مراجعه می‌کنیم. ایشان فرمود: این‌گونه است به خدا و الا کشته می‌شوید و با دستش به گلویش اشاره کرد.»

بحار الانوار ج ۲ ص ۲۰۱



فُرُتِ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ



(و آنها را از رحمت خود بهرمند ساختم و برای آنها زبانی صادق و نیکو و بلند مرتبه ای قرار دادم) مریم: ۵۰
بسم الله فاتحه حقیقت است ، و بسم الله تمامی سوره های قرآن تصویری غیر کامل از این بسم الله سوره فاتحه است بلکه هر کدام یک جهت از جهات آنرا انعکاس می دهد .
و مثل این است که بسم الله فاتحه در مرکز قرار دارد و مجموعه ای از آینه ها دور تا دور آنرا احاطه کرده اند و هر کدام از آنها تصویری معین از جهتی معین از آنرا منعکس می کنند که هر کدام یک از تصاویر با دیگری فرق دارد و در عین حال تمامی تصویرها در حقیقتی واحد باهم مشترک هستند کما اینکه خود حقیقت مشترک هستند چرا که از جهتی معین آنرا انعکاس می دهند .
و اگر بخواهیم قرآن را در ذهن خود تصور کنیم بسم الله فاتحه (محمد و علی و فاطمه) را مانند نقطه ای خواهیم یافت که همه سوره های قرآنی بلکه تورات و انجیل و تمام چیزی که انبیاء و فرستادگان تاکنون آورده اند را دور آن در گردش هستند .
(بسم الله فاتحه همان رسالت و ولایت و آغاز و پایان است) و آنها ارکان حق و هدایت و اسم اعظم ، اعظم ، اعظم (هو) هستند ، از امام صادق (ع) که از پدرش (ع) روایت می کند که می فرماید : (جابر بن عبدالله انصاری می گوید : شنیدم که رسول الله (ص) در سه روز قبل از وفات به علی (ع) می فرماید : درود بر تو ای پدر دو ریحانه ، تو را به ریحانه ام در این دنیا وصیت می کنم و بعد از گذشت اندک زمانی دو رکت ویران خواهد شد و خداوند خلیفه من بر تو است پس وقتی رسول الله (ص) از دنیا رفتند حضرت علی (ع) فرمود : این یکی از ارکان من است که رسول الله (ص) فرموده ، و وقتی فاطمه (س) فوت شدند حضرت علی (ع) فرمود : این رکن دوم من که رسول الله (ص) فرموده بود) الامالی شیخ صدوق : ص ۱۹۸
و با شهادت حضرت رسول (ص) رکن اول ویران و با شهادت فاطمه (س) رکن دوم نیز ویران شد ولی این دو رکن با بقاء رکن سوم علی (ع) باقی مانده بودند .
پس وقتی حضرت علی (ع) به شهادت رسید نه تنها رکن سوم ویران گشت بلکه رکن اول و دوم نیز همراه او ویران شدند و به این خاطر است که جبرائیل (ع) هنگام شهادت حضرت علی (ع) ندا سر داد که : (به خدا قسم ارکان هدایت منهدم شدند) بحار الانوار : ج ۴ ص ۲۸۲ .
پس ارکان هدایت سه رکن هستند و لاغیر ، و ائمه (ع) همگی ارکان هدایت هستند منتهی ارکان این سه رکن هستند یعنی اینکه ائمه اطهار (ع) ارکان محمد و علی و فاطمه (ع) هستند .
از سلیمان بن مهران که از امام صادق جعفر بن محمد (ع) و او نیز از پدرش و او از پدرانش و از امام علی (ع) روایت شده که می گوید رسول الله (ص) می فرماید : (ای علی ، تو برادر من و وارث من و وصی و خلیفه من در خانواده ام و اتمم ، در حیاتم و بعد از مرگم هستی . دوستدار تو دوستدار من است و دشمن تو دشمن من است . ای علی من و تو پدران این امت هستیم ای علی من و تو و امامان از فرزندان سروران دنیا و پادشاهان آخرت هستیم هر کس ما را شناخت خدا را شناخته و هر کس منکر ما شد منکر خدا گشته) الامالی للشیخ الصدوق : ص ۷۵۴

پیام فیسبوک سیداحمد الحسن(ع)یمانه موعود ۱۸/رمضان/۱۳۹۵

أَيْهَا الرَّاكِبُ الْمَجْدُ رَوَيْدًا بِقُلُوبٍ تَقَلَّبَتْ فِي جَوَاهَا

ای سوار تندر و مهلتی در ده دل هائی که زیر و رو شوند در سوز و گدازش

إِنْ تَرَأَتْ أَرْضَ الْغَرْبَيْنِ فَاخْضَعْ وَ اخْلَعْ النُّعْلَ دُونَ وَادِي طَوَاهَا

چون نمایان گشت سرزمین نجف خضوع کن و کفش را در بیرون دروازه شهر از پای بیرون آر

وَ إِذَا شِئْتَ قُبَّةَ الْعَالَمِ الْأَعْلَى وَ أَنْوَارَ رِبَّهَا تَغْشَاهَا

و چون چشمت به گنبد عالم اعلی افتاد که انوار پروردگارش پوشانده

فَتَوَاضِعْ فَمَنْ دَارَهُ قَدِيسٌ تَتَمَلَّى أَلَّا فَلَكَ لَنْمُ تَرَاهَا

فروتنی کن که آنجا خانه قدسی است که افلاک آرزوی بوسیدن خاکش را کنند

قُلْ لَهُ وَ الدُّمُوعُ سَفْحٌ عَقِيقٌ وَ الدُّنْيَا تَضْطَلِي بِنَارِ غَضَاهَا

به او بگو با دیده خونبار چون عقیق سرخ و یا دلی سوزان به آتش فروزش

يَا بِنَ عَمِّ النَّبِيِّ أَنْتَ يَدُ اللَّهِ الَّتِي عَمَّ كُلَّ شَيْءٍ نَدَاهَا

ای پسر عموی پیغمبر تویی دست خدا که فرا گرفته سخایش همه چیز را

أَنْتَ قَرَأَنَهُ الْقَدِيمَ وَ أَوْصَا فِكْ آيَاتِهِ الَّتِي أَوْحَاهَا

توئی قرآن قدیم حق و صفات تو آیه های آن قرآن است که وحی کرد آن را

خَصَّكَ اللَّهُ فِي مَآثِرٍ شَيْءٍ هِيَ مِثْلُ الْأَعْدَادِ لَا تَنَاقَهِ

ویژه ات داشت خدا به افتخارات گوناگونی که مانند اعداد بی پایان است

لَيْتَ عَيْنًا بِغَيْرِ رَوْضِكَ تَرَعَى قَدْرَتِي وَ اسْتَمَرَّ فِيهَا قَدَاهَا

ای کاش چشمی که در غیر بوستان تو بچرد پر از خاشاک شود و این خاشاک همچنان در آن بماند

FB/Ahmed.Alhasan.10313

www.zamanezohoor.com

موضوع: صفوت غلات در مقابل فائمه (ع)

نگرش اشتباه در مورد ظهور و شخصیت قائم (ع) و چگونگی برخورد او با مردم و متأسفانه انتشار این بدعتها سبب شده تا تصور عامه مردم نسبت به حجت خدا تغییر کند. مسئول انتشار این بدعتها چه کسانی هستند؟ پاسخ قرآن در مواجهه با این بدعتها چیست؟ قائم (ع) چگونه این مشکل را حل خواهد نمود؟ خداوند متعال در قرآن نگرش و صورت و قشر مردمی که با این نگرش در مقابل حجت خدا صف بندی میکنند را معرفی نموده است، اما متأسفانه این چاه تاریک نه تنها پوشیده نشد بلکه عریض تر گشت. و حاکی از فعالیت غلات (غلوگران در دین) در زمان حاضر است.

غلو بر وزن فحول، مصدر فعل «غلی-غلوا» و به معنای افراط، ارتفاع، بالا رفتن و تجاوز از حد است و وقتی قیمت چیزی از حد معمول خود بالاتر می‌رود، به آن «غالی» (به معنای گران) میگویند.

«فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا تَرَاكَ إِلَّا بَشْرًا مِثْلَنَا وَمَا تَرَاكَ إِلَّا الَّذِيْنَ هُمْ أَرَادُوا» هود- ۲۷.

«پس، سران قومش –که کافر شدند- گفتند: «ما تو را جز بشری همانند خود نمیبینیم و در نگرش آغازین نمیبینیم (که) کسی تو را پیروی کرده باشد جز (جماعتی از) فرومایگان ما.»

ملا یا بزرگان دین و اشراف در قوم نوح (ع) بودند که تصور غلطی را در اذهان مردم تزریق مینمودند و قرآن آنان را اولین غلات معرفی میکند. مصریان پادشاه خود را خدای خورشید و پسر خدا و در ادامه خدا مینیداشتند. یهودیان عزیز را پسر خدا میدانند(سوره توبه- ۳۰) و مسیحیان برای حضرت عیسی (ع) قائل به مقام الوهیتاند.

امام سجاد(ع) میفرماید: «یهودیان به عزیر علاقه‌ی زیادی داشتند، به همین جهت او را پسر خدا دانستند و مسیحیان نیز نسبت به عیسی(ع) علاقه‌ی زیادی نشان دادند و او را پسر خدا دانستند... و گروهی از شیعیان، از شدت محبت به ما، ما را از حد خود فراتر بردند؛ در حالی که نه آنان از ما هستند و نه ما از آنها.» ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحديث، ج۱۵، ص۱۳۴؛ محمد تقی تستری، قاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۴۳۰.

حضرت امام رضا(ع) در این مورد میفرماید: «بعضی از مردم ساده دل، معجزات و کرامات فراوان از ائمه مشاهده میکردند و چون نمونه‌ی آنها را از مردم عادی ندیده بودند، تصور میکردند حتما صاحب این معجزات، دارای مقامی برتر از مقام بشری است و به این ترتیب، قائل به خدایی ائمه(ع) یا حلول روح خدایی در آنان میشدند.» محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج۲۵، ص ۲۷۱، ج ۱۹۰.

از پیامبر(ص) نقل شده است: «از غلو در دین بر حذر باشید که پیشینیان شما را غلو در دین نابود ساخت.» (محمد بن احمد بن حبان، صحیح، ج۹، ص ۱۸۳؛ محمد بن اسحاق بن خزيمة، صحیح، ج ۴، ص ۲۷۴). یا فرمودند: «بهرهای از اسلام ندارد آن که علیه اهل بیت من جنگ در پیش گیرد و آن که در دین غلو کند و منحرف شود». شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۰۸. و امام علی(ع) میفرماید: «از غلو دربارهی ما حذر کنید». محمد محمدی ری شهری، اهل البیت فی الکتاب و السنه، ص ۵۱۷.

این روش بزرگان غلات که از احساسات مردم استفاده میکنند و تنها نیست جز به سلطه در آوردن و اطاعت شدن، و سبب عریض شدن چاه دوزخ برای اسیر شدن کثیری از مردم در زمان ما شده است و مردم فریب خورده با این نگرش رهبران خود یا قائم (ع) رو به رو خواهند شد.

عن الفضیل بن یسار قال سمعت ابا عبد الله ع یقول: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ جَهْلِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ جُحَالِ الْجَاهِلِيَّةِ قَلْتُ وَ كَيْفَ ذَاكَ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص أَتَى النَّاسَ وَ هُمْ يَغْدُونَ الْحِجَارَةَ وَ الصُّخُورَ وَ الْعِيدَانَ وَ الْخَشَبَ الْمُنْخَوْتَهُ وَ إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ وَ كُلِّهِمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ يَحْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ ثُمَّ قَالَ أَمَا وَ اللَّهُ لِيُذْخِلَنَّ عَلَيْهِمْ عَذْلَهُ خَوْفَ بَيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرَّ وَ الْقُرَى.» الغيبة (لنعمانی) ص ۲۹۷ باب ۱۷.

ندای آسمانی چیست؟

سلام بر تو ای لبا الحسن به اندازهی درد ورنج هایبی که کشیدی

سلام بر تو ای لبا الحسن بسیار سبقت گرفتی و کیندگان پس از خود را به سختی و دشواری افکندی

براستی که مصیبت در آسمان ها بزرگ است و ما تم تو مردم را در هم کوفته است.

لنا له و لنا الیه راجعون



پس از این که حق روشن شد و غبارها فرو نشست و نور عیان گشت، و حجت به طور کامل و رسا بر منکران حقیقت رؤیا و حجت رؤیای صادقه تمام شد، و بعد از آن که پیچیدگی و اشتباهی که سالیان سال مسأله رؤیا را در برگرفته بود، وقت آن رسیده که سنت محمد و آل محمد زنده شود هرچند کافران را خوش نیاید. این رؤیاست که با اعلام ظهور نور خدا در میان مخلوقاتش، زندگی را به قلب‌های مُرده بازمی‌گرداند، این رؤیاهایی که مردم در این ایام می‌بینند، مقدمه‌ایست برای صیحه‌ی بزرگ، صدای هولناک یا همان ندای آسمانی که در قرآن و روایات درموردش سخن رفته است، به گونه‌ای که نه تنها احتمال شک ندارد؛ بلکه صحتش

یقینی است و از روایات برمی‌آید که صیحه از علامات و نشانه‌های حتمی [ظهور]

است.

و اما ماهیت و حقیقت صیحه؛

این، موضوع فصل جاری است و به منزله‌ی هدف کلی بحثمان می‌باشد.

سید احمد الحسن (حفظه الله) ایده‌ای را درباره‌ی صیحه ارائه نمود که هیچ کس قبل از او این نظر را مطرح نکرده بود، و آن این که صیحه در عالم رؤیا و مکاشفه (رؤیا در حین بیداری) به وقوع می‌پیوندد، قبل از این که این نظریه را مطرح کنم، این روایت را –که از بین روایات بسیار فراوان صیحه انتخاب شده– برایتان می‌آورم تا در ضمن ارائه مطلب، از مضامینش استفاده کنیم:

(در تفسیر آیهی ﴿اگر بخواهیم، از آسمان نشانه‌ای بر آنان فرو می‌فرستادیم که در برابر آن گردن‌هایشان فرود آید﴾ از امام صادق (ع) نقل شده است: پس در آن روز در زمین هیچ کس باقی نمی‌ماند مگر این که گردشش برابر آن خاضع و ذلیل شود، پس همه اهل زمین زمانی که این صدا را از آسمان می‌شنوند ایمان می‌آورند که: آگاه باشید که حق با علی بن ابی طالب و شیعیانش است، فرمود: فردای آن روز ابلیس در هوا بالا می‌رود تا این که از دید اهل زمین ناپدید می‌شود سپس ندا می‌دهد: آگاه باشید که حق با عثمان و پیروانش است؛ زیرا او مظلومانه کشته شد، پس خورش را مطالبه کنید. سپس فرمود: پس خداوند کسانی را که ایمان آوردند با کلام ثابت و استوار، بر [راه]حق تثبیت می‌نماید که همان ندای اول است و در آن روز کسانی که در قلبشان بیماری‌ست –که به خدا سوگند بیماری، عداوت و دشمنی با ماست– به تردید می‌افتند، در آن هنگام از ما بیزاری می‌جویند و به ما هجوم می‌آورند و می‌گویند: همانا ندا دهنده‌ی اول، جادویی از جادوهای اهل این خانه (اهل بیت) است. سپس امام صادق (ع) کلام خداوند را تلاوت فرمود: ﴿إِنْ نَشَأْ نُثَوِّلَ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظُلَّتْ أَعْيُنُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾. (غیبت نعمانی: ص۲۶۲)

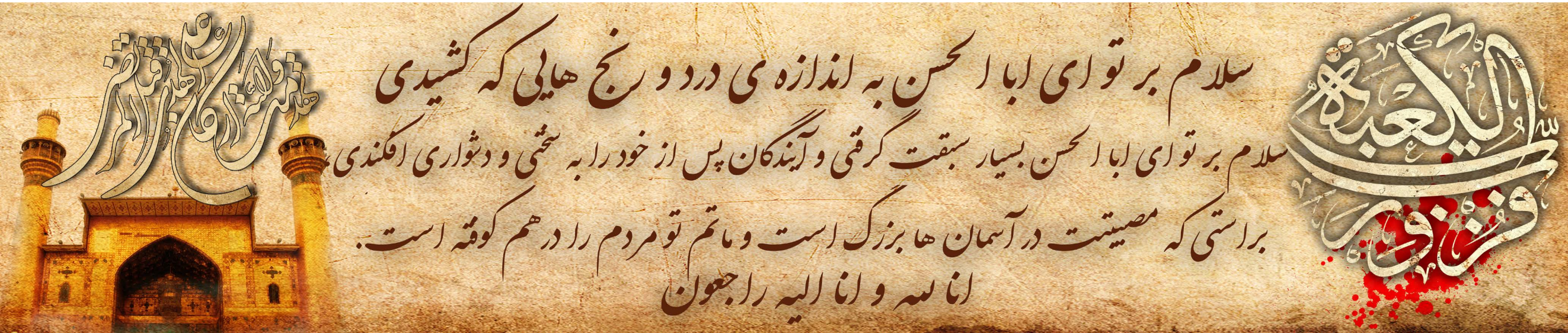
در اینجا نکات نه گانه‌ای از سید احمد الحسن نقل می‌کنیم، بر نظریه‌ی نادرستی که به طور یکسان، بین مردم و عالمان دین در مورد صیحه رایج است، ..

۱- در روایات به طور واضح بیان شده که جبرئیل (ع) در آسمان صیحه می‌زند (یعنی در ملکوت)، و ابلیس ملعون از زمین ندا خواهد داد (یعنی در این عالم مادی)، و اگر صیحه‌ی جبرئیل در آسمان همین زمین بود، هر دو صیحه از زمین و در جو زمین می‌بود.

۲- صیحه مربوط به جبرئیل (ع) است، و جبرئیل یک فرشته است، پس صیحه و ندای او در عالم خودش است که همان عالم ملکوت می‌باشد، به فرشته‌ی رؤیا ندا می‌دهد و فرشته‌ی رؤیا به دیگر فرشتگان رؤیا که تابع و فرمانبردارش هستند، بانگ می‌زند و آنان رؤیاها را به مردم نشان می‌دهند. هم چنین جبرئیل در آسمان ندا می‌دهد و ارواح می‌شنوند.

۳- زمانی که ابن مُلَجم امام علی (ع) را ضربت زد، صیحه‌ی جبرئیل را همه‌ی مردم نشنیدند و اگر همه‌ی مردم شنیده بودند، همگی آن را نقل می‌کردند. پس اگر در این عالم مادی بود، همه مردم آن را می‌شنیدند و اگر در این دنیا بود، چه چیزی مانع آن شد که مردم همگی آن را بشنوند؟ و در زمان ظهور موعود نیز این صیحه، نظیر صیحه‌ی جبرئیل است[پایان کلام سید احمد الحسن.

می‌گویم: اگر مردم صدا را هم چون معجزه‌ای مادی شنیده بودند، حتماً آن را می‌شناختند و یقین می‌نمودند که راه امام علی (ع) تنها راه حق است و



سزاوار بود فرزندان‌ش را پس از او یاری کنند؛ نه این که ایشان را تنها گذاشته و به قتلشان برسانند و این بدان مناسبت که صیحه فقط به مؤمنان (که اندک بودند) رسید و اگر خداوند می‌خواست که آن را عمومی و برای همه مردم و با اکثریت ایشان قرار بدهد، حتماً این کار را می‌کرد. اما به دلیل روایت فوق، خداوند صیحه را ذخیره‌ای برای وعده‌اش و برای نصرت و یاری قائم آل محمد (ع) قرار داد.

۴- [امیر المؤمنین (ع) فرمود: (صیحه‌ای در ماه رمضان خواهد بود که شخص بیدار را به وحشت انداخته و شخصی که در خواب است را بیدار می نماید و دختر برده نشین را از کنج خانه‌اش بیرون می‌کشد) (غیبت نعمانی: ص۲۵۹). این مضمون در بسیاری از روایات وارد شده‌است، آن چه که شخص خوابیده را بیدار می‌کند، رؤیاست. در بسیاری از اوقات، زمانی که انسان رؤیایی می‌بیند، [بلافاصله] پس از رؤیا بیدار می‌شود[پایان کلام سید احمد الحسن.

می‌گویم: درباره‌ی شخص بیدار هیچ اشکالی وجود ندارد؛ زیرا مکاشفهای که او می‌بیند، مانند تکان شدیدی است که شخص بیدار را که قبل از آن چنین چیزی ندیده، می‌ترساند. هم‌چنین است دختری که [از روی وحشت] از کنج خانه‌اش بیرون می‌آید. والله أعلم.

۵- رؤیا را اهل هر زبانی به زبان خودشان می‌فهمند و می‌شنوند؛ عرب، عجم، سریانی و اهل هر زبان دیگری، رؤیا را به زبان خودشان می‌فهمند؛ زیرا رؤیا نزد همه، تصاویر و رموز ثابتی است و همه آن را درک می‌کنند. پس رؤیا با صیحه‌ای که اهل هر زبانی به زبان خویش درک می‌کنند، هم‌خوانی دارد.

۶- حدیثی که از حضرمی وارد شده، می‌گوید: (زمانی که پرچه‌های سیاه در خراسان پدیدار شده بود، من و ایان، نزد امام صادق (ع) رفتیم و عرض کردیم: نظراتان چیست؟ فرمود: در خانه‌هایتان بنشینید. هرگاه ما را دیدید که بر گرد مردی اجتماع کردیم، [برای یاری ما] با سلاح به سوی ما بشتابید) (غیبت نعمانی: ص۱۹۷). معنای این روایت که نیازی به فکر کردن زیاد ندارد، این است که اهل بیت، برای تأیید یک مرد، در عالم رؤیا اجتماع کرده و مردم را

نعمانی: ص۱۹۷). معنای این روایت که نیازی به فکر کردن زیاد ندارد، این است که اهل بیت، برای تأیید یک مرد، در عالم رؤیا اجتماع کرده و مردم را

سید احمد الحسن.

می‌گویم: اجتماع همه‌ی اهل بیت بر یک مرد، فقط پس از شهادتش خواهد بود؛ به دو سبب: اول این که آن ها در یک زمان جمع نشدند، و دوم: این که گفتند: با سلاح به یاریش بیایید و این امر فقط درباره‌ی قائم و یا نماینده‌ی ایشان صدق می‌کند، پس اهل بیت به جز در عالم رؤیا اجتماعی نخواهند داشت، اما تاویل بعضی افراد که گفته‌اند سادات هاشمی هستند که بر گرد آن مرد اجتماع می‌کنند، مطلبی است که مادر فرزند مُرده را می‌داندند. چگونه چنین چیزی ممکن است؟ در حالی که بسیاری از ایشان

دشمنی خود را با اهل بیت علنی کرده‌اند.

۷- [بیژن طمی می‌گوید: از امام رضا (ع) درباره‌ی مسأله‌ی رؤیا سؤال کردم. حضرت خودداری کرد و سپس فرمود: (اگر ما آن چه را که می‌خواهید به شما بدهیم، برایتان شر خواهد بود و صاحب این امر(ع) گرفتار می‌گردد) (قرب الإسناد: ص ۲۸۰). سؤال کننده درمورد مسأله‌ای پرسیده است که اختصاص به رؤیا دارد و امام (ع) رؤیا را به گرفتار شدن صاحب الامر ارتباط می‌دهد. پس روشن است که ارتباط محکمی بین رؤیا و امام (ع) وجود دارد و گویی رؤیا یکی از علامت‌های حتمی از نشانه‌های ظهور اوست که با جریان امام (ع) مرتبط است. پس [از میان علامات حتمی] به جز صیحه‌ی جبرئیل هیچ یک با آن منطبق نیست؛ زیرا رؤیا از عالم جبرئیل (ملکوت) است[پایان کلام سید احمد الحسن.

از امام صادق(ع) نقل شده که فرمود: (ددین) و رؤیای مؤمن در آخر الزمان بر هفتاد جزء از اجزاء نبوت است) ().

۸- [از آل محمد نقل شده که در آخرالزمان رؤیا تکذیب نمی‌شود. پس مناسب تر این است که صیحه جبرئیل در عالم خودش یعنی عالم ملکوت باشد و صیحه در عالم ملکوت به وسیله‌ی رؤیایی که در آخرالزمان دروغ نمی‌گوید (و تکذیب نمی‌گردد) و به وسیله‌ی مکاشفه به انسان می‌رسد[پایان کلام سید احمد الحسن.

می‌گویم: این کلام به این معنی است که رسیدن صیحه از طریق رؤیا در آخرالزمان امری است که از دیگر امور به تصدیق نزدیک‌تر است و بیشتر می‌شود به آن اطمینان کرد.

۹- اگر صیحه در این عالم مادی و از سنخ آن و به جسمانیت آن بوده باشد، تفاوت بین صیحه جبرئیل و صیحه‌ی ابلیس ملعون چیست؟ آیا صدایشان فرق دارد؟ آیا مرد صدای جبرئیل و صدای ابلیس را شنیدند تا بتوانند فرق بین آن دو صدا را بفهمند؟ بله، اگر صیحه جبرئیل در آسمان یعنی در ملکوت آسمان‌ها باشد، مؤمنان می‌توانند آن را تشخیص دهند؛ زیرا ملکوت در دست خداست: ﴿فَقَبِّحْنا الذی یبْذو ملکُوتَ کُلِّ شَیْءٍ وَالْیَئْسُ الرَّجْحُونُ﴾ (دار السلام: ج ۱ ص۱۸). (پس پاک و منزّه است کسی که ملکوت همه چیز به دست اوست و به سوی او بازگشت داده می‌شود!)[پایان کلام سید احمد الحسن.

می‌گویم: یعنی این که ممکن نیست بتوان بین دو ندایی که در روایات آمده اولینشان از آسمان و دومی از زمین است، تشخیص داد. مگر این که اولین ندا را در آسمان ملکوتی در نظر بگیریم نه در آسمان دنیا. وگرنه هردوی آن‌ها در همان آسمان خواهند بود و این محال است؛ زیرا تشخیص بین آن دو غیر ممکن است و این امر صیحه را تبدیل می‌کند به چیزی که دعوت به گمراهی می‌کند نه به هدایت و خدا از چنین کاری به دور است و بسیار بلند مرتبه است.

فضیل بن یسار گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمود: «قائم ما چون قیام کند از جهل مردم شدیدتر از آنچه رسول خدا صلی الله علیه و اله با آن از سوی نادانان جاهلیت روبرو شد برخورد می‌کند، عرض کردم: این چگونه ممکن است؟ فرمود: همانا رسول خدا درحالی به سوی مردم آمد که آنان سنگ و کلوخ و چوب‌های تراشیده و مجسمه های چوبین را می پرستیدند، و قائم ما چون قیام کند در حالی به سوی مردم می آید که همگی کتاب خدا را علیه او تأویل می کنند و بر او بدان احتجاج می نمایند، سپس فرمود: بدانید به خدا سوگند که موج دادگستری او بدان گونه که گرما و سرما نفوذ می کند (مانند اینترنت و تلویزیون) تا درون خانه های آنان راه خواهد یافت.»

امروز سید احمد الحسن (ع)، قائم و وصی در کتب آسمانی پاسخ مشابه با دیگر پیامبران در مواجهه با رهبران غلات خواهد داشت و آنان را دعوت به قرآن مینماید:

«قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهِ وَاحِدٌ فَاستَقِیْمُوا إِلَیْهِ وَ اسْتَغْفِرُوا لَهُ وَ یَلِ لِلْمُشْرِکِیْنَ» «بگو من فقط انسانی مثل شما هستم که این حقیقت بر من وحی می‌شود که معبود شما تنها یکی است، پس تمام توجه خویش را به او کنید، و از وی آمرزش طلبید، وای بر مشرکان.» فصلت: ۶.

«وقالوا مال هذا الرسول یأکل الطعام ویَمْشِی فی الأسواق لولا أنزل إِلَیْهِ مَلَكٌ فیکُونَ مَعَهُ نَذِیراً» «این چه پیامبری است که غذا می خورد و در بازارها راه می رود؟ چرا فرشته‌ای به سوی او نازل نشده است تا همراه او بیم دهنده باشد.» فرقان- ۷.

اینکه امروز سید احمد الحسن (ع) ابتدا مشغول اصلاح عقاید مردم در دین است و نگرش مردم و تصور غلط آنان –چه از بعد جسمی و ظاهری و چه توانایی ها و معجزات– بر میگردد به لطامت سنگینی که غلات زمان با نگارگری رنگی کهنه را بر دین پوشاندند. بنابراین این که گفته میشود قائم (ع) با دین جدید می‌آید اشاره به اصلاح عقاید و برگرداندن مردم به اسلام حقیقی میباشد و تمرکز مردم از نگرش مادی و ظاهری به بعدی بالاتر برمبگرداند و ایشان مردم را یادآور میکنند که حجت خدا انسانی عادی و تواناییهای اعجاز ایشان از جانب خداست و اختیاری از جانب خود بر غیب ندارد.

عن عبدالله بن عطا: سألته عن سیرة المهدي کیف سیرته قال صادق (ع): «یَصْنَعُ مَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) یَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ کَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَمْرَ الْجَاهِلِیَّةِ وَ یَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِیداً.» خدمت حضرت صادق(ع) عرض کردم: سیره و رفتار مهدی چیست؟ فرمود: «همان کاری را که رسول خدا(ص) انجام داد، مهدی هم انجام می دهد. بدعت های موجود را خراب می کند. چنانکه رسول خدا(ص) اساس جاهلیت را منهدم نمود، انگاه اسلام را از نو بنا می کند.» بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۳.

«وقالوا لولا أنزل علیه آیاتٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآیَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِیرٌ مُّبِینٌ» «و گفتند: چرا از جانب پروردگارش آیاتی بر او نازل نمی شود؟ بگو:، جز این نیست که آیات در نزد خداست و جز این نیست که من بیم دهنده ای آشکار هستم.» عنکبوت- ۵۱.

بنابراین در دروس سید احمد الحسن (ع) که بر اصلاح عقاید گام بر میدارند و در درس سهو و نسیان معصوم به ما میفهماند تا زمانی که در این عالم مادی وجود داری از شائبه ظلمت جدا نیستی حتی اگر معصوم باشی، اما اگر نبئت حقیقت و معرفت است، و برگشتن و دوری از این ظلمت میباشد پس بیا و با قائم (ع) همراه شو و صورت باشی و اعتراضی بر آنچه مادی میبینی نداشته باشی چرا که حق ماورای نگرش مادی توست و این خداست که حاکم بر قبل و حال و بعد توست بنابراین عزمت را جزم کن و برای حاکمیت الله قدم بردار.

پس از آن که احمد الحسن (ع) این نُه نکته را به من آموخت، به من فرمود: (و اگر خدا بخواهد به نُه نکته ی دیگر نیز موفق خواهی شد). به ایشان گفتم: سید! برای من سوّالی باقی نمانده. فرمود: (اگر خدا بخواهد به نه نکته‌ی دیگر موفق خواهی شد). و حال، به فضل خدا نه نکته دیگر را برای همین هدف اضافه می‌کنم:

در روایات، از امام باقر (ع) نقل شده است: (سپس ندا دهنده‌ای از آسمان نام قائم را ندا می‌دهد ... پس خداوند پیام‌رزد، کسی این صدا را معتبر دانسته و پاسخ دهد ... پس در آن شک نکنید و گوش فرا دهید و اطاعت نمایید و در پایان روز صدای ابلیس ملعون ندا می‌دهد: آگاه باشید که فلاّنی مظلوم کشته شد؛ تا مردم را به شک انداخته و بفریبد. پس در

آن روز چه بسیار شک‌کننده و متحیر خواهد بود که به دوزخ سقوط کنند. پس هرگاه صدا را در ماه رمضان شنیدید، در آن شک نکنید که آن صدای جبرئیل است و نشانه‌ی آن این است که به اسم قائم و اسم پدرش ندا می‌دهد ...) (غیبت نعمانی: ص۲۵۴).

دسته‌ای از روایات به این مضمون وارد شده است، امامان ... پس در آن هنگام از ما بیزاری می‌جویند و به ما هجوم می‌دارند و بر این که آن صدای جبرئیل است تأکید می‌کنند؛ بلکه به تصریح بسیاری از مردم در فتنه‌ی ابلیس ملعون گرفتار خواهند شد و متحیر گشته و به آتش سقوط می‌کنند. این بدان معناست که صبحه به هیچ وجه صدای آسمان دنیا نیست که همه‌ی مردم و اهل هر زبانی آن را به زبان خود بشنوند؛ زیرا اگر چنین باشد، هرگز کسی در آن تردید نمی‌کند و این با روایات منافات دارد. حال آن که مقدمات تشکیک در روّیا را مشاهده می‌کنیم؛ چون مردم را عالمانشان غافل نگه داشته‌اند. از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: ... پس در آن هنگام از ما بیزاری می‌جویند و به ما هجوم می‌آورند و می‌گویند: همانا ندا دهنده‌ی اول، جادویی از جادوهای اهل بیت است. سپس امام صادق (ع) این آیه را تلاوت فرمود:﴿وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّشْتَبِهٌ﴾ (و اگر آیه‌ای را ببینند روی بر تافته و می‌گویند این، جادویی دنباله‌دار است) (سوره قمر: ۲). (غیبت نعمانی: ص۲۶۸).

روایاتی نیز به این مضمون وارد شده، یعنی این که متهم کردن صبحه به جادوگری، زمانی رجحان دارد که صبحه همان روّیاها باشد. ولی اگر در عالم دنیا باشد، حتی ممکن نیست یک فرد سفیه کم خرد آن را به جادوگری متهم کند؛ زیرا امر، بسیار بزرگ و خالی از فتنه می‌باشد و بلکه به این خاطر که هرچقدر امکانات مادی و یا امکانات همه ساحران جهان زیاد باشد، نمی‌توانند آن را بسازند. علاوه بر این، مفهوم مندرج برای صبحه همین است. پس در این مقام مناسب‌تر است که همه مردم عامی و عالمان، تصدیقش کنند و دیگر مشکلی وجود ندارد ... حال آن که می‌بینیم نبوتی که در قرآن از آن یاد شده که همین اتهام به آن زده شده، در این زمان هم فعلیت یافت. بسیاری از مدعیان علم و عالمان، وقتی ایشان را از روّیاهایی که دعوت سید احمد الحسن را تأیید می‌کند آگاه کردیم، ایشان را به جادوگری متهم کردند. ایشان، پس از وقوع صبحه‌ی کبری و پس از این که بسیاری از مردم به آن ایمان بیاورند (که منجر به تهدید تاج و تخت هایشان و پایان سلطنتشان می‌شود) چگونه خواهند بود؟

امام صادق (ع) فرمود: (آن ها دو صبحه هستند ... تا جایی که هشام از ایشان پرسید: چگونه این صبحه‌ها از یکدیگر باز شناخته می‌شوند؟ حضرت فرمود: هر کس قبل از وقوع [صبحه] آن را شنیده باشد، آن را می‌شناسد ...) (غیبت نعمانی: ص۲۶۶).

عبد الرحمن به امام صادق (ع) عرض کرد: (همانا مردم به ما خرده می‌گیرند و می‌گویند اگر صبحه‌ی حق و باطل هر دو باشند، چگونه از یکدیگر باز شناخته می‌شوند؟ شما چگونه به ایشان پاسخ می‌دهید؟ امام (ع) فرمود: به ایشان بگویید هر مومنی که قبل از وقوع صبحه به آن ایمان بیاورد، به محض این که واقع شود آن را تصدیق می‌نماید، خداوند فرمود: ﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾ (پس آیا کسی که به حق دعوت می‌کند سزاوارتر است که از او تبعیت شود یا کسی که خودش راه نمی‌یابد مگر این که هدایتش کنند، شما را چه می‌شود، چگونه قضاوت می‌کنید؟) (سوره یونس: ۳۵). (غیبت نعمانی: ص۲۶۶).

پس امام (ع) در حدیث خودبه‌به این امر اشاره می‌فرماید که صبحه‌ی حق از صبحه باطل غیر قابل تشخیص است، مگر کسی که از قبل آن را شنیده باشد یا قبل از وقوع، به آن ها ایمان داشته باشد. یکی از معانی کلام امام (ع) این است که قبل از صبحه‌ی موعود جبرئیل در ۲۳ رمضان، صبحه‌هایی وجود دارد. پس جایگاه آن صبحه‌هایی که زمینه‌ساز اصلی هستند کجاست؟ و چگونه در نظام فرایند ظهور اخلاص و اضطراب ایجاد نمی‌کند؟ زیرا احتمال دارد از سوی مدعیان مورد سوء استفاده قرار بگیرد و چرا روایات درباره‌ی موعد آن صبحه‌ها سکوت نموده و یا این که حتی از آن جهت که بسیار روشن و معلوم است، به عنوان قرینه‌ی صبحه‌ی رمضان ذکر کرده و بلکه صبحه‌ی رمضان را قرینه‌ی وقوع صبحه‌های قبل از خودش قرار داده است؛ به گونه‌ای که هرکس قبل از صبحه، آن را شنیده باشد، به آن ایمان می‌آورد ... چه بزرگند این بیت و چقدر علمان باشکوه است، در حالی که هیچ راه خروجی از این تعارض وجود نداشت مگر این که روّیاها را در جای صبحه‌ها بشانیم و این همان چیزی است که هم‌اکنون به وقوع پیوسته است، بسیاری از مردم و خصوصاً انصار، در این ایام روّیاهایی می‌بینند که ظهور امر قائم آل محمد (ع) را نوید می‌دهد و کسی که به روّیا ایمان دارد، همان کسی است که در آینده، صبحه‌ی رمضان را تصدیق خواهد کرد و کسی که روّیا را بعنوان حجت معتبر نمی‌داند، منتظر مهدی خودش باشد همانند یهودیان که بیش از دوهزار سال و تا امروز منتظر آمدن مسیح هستند.

در خصوص مضمون صبحه، مضامین مختلفی وارد شده که بعضی از آن ها را از کتاب «غیبت نعمانی ص ۲۵۳تا۲۶۶» نقل می‌کنم:

از امام باقر (ع): (ندا دهنده به اسم قائم و اسم پدرش ندا می‌دهد).

از امام صادق (ع): (بدانید که حق یا علی بن ابی طالب است).

از امام باقر (ع): (آگاه باشید که مهدی از آل محمد فلاّنی فرزند فلاّنی است).

از امام صادق (ع): (همانا فلاّنی امیر است).

از امام صادق (ع): (و ندا دهنده‌ای ندا می‌دهد که فقط علی و شیعیانش رستگاراند).

از امام صادق (ع): (بدانید فلاّنی صاحب الامر است پس چرا با یکدیگر می‌جنگید).

از امام صادق (ع): (کشت و کشتار برای چیست ... صاحبان فلاّنی است).

پس می‌بینیم که این مضامین، مختلف و متعدد هستند و روایات دیگری با مضامین دیگر وجود دارد که دلالت می‌کند بر این که ممکن نیست صبحه یک‌جا با همه‌ی این الفاظ باشد، که هرکدام را یک بار بگویید، و می‌بایست حدیثی که درباره‌ی صبحه صادر می‌شود، با صبیغه‌ی جمع آورده شود (صبحه‌ها) چون مضامین آن‌ها متفاوت است و این هم راه‌حلی ندارد مگر آن که صبحه در روّیا بوده باشد؛ زیرا در آن هنگام، ما رُمتی به نوعی از ابتلائات مبتلا می‌شدند که نوع خاصی از روّیا را نیاز داشت که متناسب با حاجت‌هایش باشد. بلکه روّیاها متناسب با افراد می‌آیند، به همین خاطر مضامین متعدد می‌شود اما همگی در قالب هدایت به امر امام مهدی (ع) صورت می‌گیرد.

زواره درباره‌ی ندا دهنده و این که چه کسی فرد راستگو را از دروغگو تشخیص می‌دهد، از امام صادق (ع) سوّال نمود. ایشان فرمود: (کسانی آن را می‌شناسند که حدیث ما را روایت می‌کنند و می‌گویند که این امر، قبل از آن که به وقوع بپیوندد، واقع خواهد شد و می‌دانند که حق با ایشان است و راست گو هستند) (غیبت نعمانی: ص۲۶۴). یعنی این که امام (ع) کسانی را که راستگو را از دروغگو باز می‌شناسند، به سه شرط مشروط نمود:

الف- احادیث ما را روایت می‌کنند.

ب- قبل از این که ندا واقع شود، می‌گویند این امر به وقوع خواهد پیوست.

ج- آنان می‌دانند که خودشان راست‌گو و برحق هستند.

شرط اول، همان چیزی است که انصار امام مهدی (ع) امروز آن را می‌گویند و بر کلامشان با روایات استدلال می‌کنند و اما روش دیگر گروه‌ها، اصول و منطق و آن چیزهایی است که عَقْلا بر آن اتفاق داشته باشند (عقلایی که هیچ گاه اتفاق نظر ندارند مگر در اوهام یونانیان کافر امثال افلاطون و دانشمندان مسلمانی که دنباله رو ایشان بودند، بله، عَقْلا که بهتر است نامشان را دیوانگان این کهری خاکی بگذارند) بر دشمنی انبیا و اوصیا اتفاق نظر داشتند.

کسانی که به شرط دوم قائلند نیز، همان انصار هستند؛ زیرا آنانند که می‌گویند صبحه همان روّیا و مکاشفه است و کسی که آن دو را تصدیق نکند، صبحه را نیز تصدیق نخواهد کرد، و صبحه قبل از این که اتفاق بیفتد (در ماه رمضان) واقع شده است، و اما ادعای بعضی از علما بر این که صبحه دعوت به طرف حق در مقابل طرف باطل است یا این که صبحه بیانی برای جهت حق است و یا ادعاهای دیگر، با روایاتی که به صبحه بُعد اعجاز می‌بخشد مطابقت ندارد.

و اما شرط سوم این است که جماعتی که صبحه حق را می‌شناسند، می‌دانند که برحق و راستگو هستند و این بدان معنی است که دلایل ایشان برای صدق ادعایشان، از درونشان یعنی بلکه از درون نفسشان است و این دلیل مطلقاً از خارج به دست نمی‌آید، و گرنه معنی این چیست که به شخصی بگویی برو و از کسی که معتقد است، راستگو و بر حق است تبعیت کن چه می‌تواند باشد !!! و آیا کسی هست که به این امر معتقد نباشد؟!

بنابراین، اعتقادشان به این که برحق هستند، از چشمه‌ای درونی از نفس هایشان سرچشمه می‌گیرد که هیچ ارتباطی با بیرون ندارد. یعنی عملیات تشخیص آن‌ها برای نفسشان، به طور علمی اندازه‌گیری و قیمت‌گذاری نمی‌شود که آنان برحق هستند یا نه؟ این مطلب را می‌شود بر بعضی انصار ساده و کم سواد یا بی سواد حمل کرد که خود را بر حق و صادق می‌دانند؛ زیرا امامان را در

صبحه با روّیای صادفه

روّیا دیده‌اند که ایشان را به یاری این امر تشویق می‌کردند، و درحال حاضر خود را صادق می‌دانند اما این قناعت ایشان برگرفته از یک ملاک علمی برای وضعیتی که برایشان به وجود آمده، نیست؛ بلکه از روّیایی است که از طریق نفسش و در نتیجه از سوی خداوند به او رسیده است. خداوند متعال فرمود: ﴿سُتْرِبِهِمْ إِيَّانَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ نَبَيِّنَ لَهُمُ اآئَةً لَخَقِّ أَوْلَهُم يَكْفِ رَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّهِدٍ﴾ (فصلت: ۵۳)(به زودی آیاتمان را در افاق و در نفس هایشان به ایشان نشان خواهیم داد تا برای آنان روشن شود که آن حق است، آیا این کافی نیست که پروردگارت بر همه چیز گواه است).

امام صادق (ع) فرمود: (...پس زمانی که صدا را می‌شنوند، بیدار می‌شوند و گویی پرندگان بالای سرشان هستند...) (غیبة النعمانی: ص۲۶۳). و در این روایت به این امر تصریح شده که اینان شبانه و در خواب این صدا را می‌شنوند و زمانی که بیدار می‌شوند مبهوت و سرگشته اند. گویی پرندگان بالای سرشان می‌گردند.

خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَاسْمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادُ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ﴾ (ق: ۴۱ – ۴۲). (و گوش فراده روزی که ندا دهنده از مکانی نزدیک ندا می‌دهد. روزی که صبحه‌ی به حق را می‌شنوند. آن روز، روز خروج است). صرف نظر از این که معنی مورد نظر از ندادهنده در این آیه، حمل بر صبحه‌ی اسرافیل یا جبرئیل شود که هر دو از یک سنخ هستند، و مقصود از آن این است که صبحه از مکانی نزدیک زده خواهد شد، و چیزی از نفس انسان به او نزدیک‌تر نیست. بنابراین، اگر این صبحه را بر این عالم شهود یعنی دنیا حمل کنیم، باز هم روّیا و یا مکاشفه با آن مناسب‌تر دارد؛ زیرا تنها راه ارتباطی بین عالم ملکوت و انسان همین است.

گزیده‌ای از سخنان سید احمد الحسن درباره‌ی معجزه: (هر پیامبری از انبیاء خداوند سبحان متعال، با معجزه مبعوث شد و معجزه مشابه چیزهایی است که در زمان خودش وجود دارد، مثلاً معجزه‌ی عیسی (ع)، زنده کردن مردگان و شفای مریضان بود؛ زیرا [در آن زمان] پزشکی رواج داشت، و موسی (ع) عصا و نشانه‌های دیگر آورد؛ به خاطر رواج داشتن جادوگری و سحر و یوسف(ع) روّیا و تأویل آن را بعنوان معجزه آورد؛ چون در زمانش اینها رواج داشت، و امام مهدی (ع) و یا مهدی اول که زمینه‌ساز ایشان است نیز با چیزی می‌آیند که مناسب زمانشان است که همان علم به کتاب خدا و معرفت و ... است و هم چنین از چیزهایی که مناسب زمان ایشان است، روّیاست؛ زیرا همان‌طور که آل محمد فرمودند، روّیا در آخرالزمان دروغ نمی‌باشد و باقیمانده‌ی نبوت در آخرالزمان همان روّیاست.

بنابراین، امام مهدی (ع) روّیا و تأویل آن را می‌آورد همان‌گونه که یوسف (ع) آورد، و ایرانیان امام مهدی (ع) را به صف‌ت یوسف آل محمد می‌شناسند.

انبیا نشانه‌ها و معجزاتی از جانب خداوند می‌آوردند که مشابه چیزهای مرسوم زمان خودشان بود. نه به خاطر مشابهتشان با آن مرسومات، آن‌گونه که بعضی علما گمان کرده اند. بلکه به خاطر این که قابل اشتباه شدن باشد و بخاطر این که خالی از امتحان نباشد تا اجبار به ایمان در کار نباشد، زیرا دنیا خانه‌ی بلا و امتحان است و به این خاطر که هرکس به غیب ایمان دارد، ایمان بیاورد. خداوند متعال فرمود: ﴿وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكَ تَجْلَسَ لَهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبَسُونَ﴾ (الانعام: ۹). (اگر او (فرستاده) را فرشته قرار می‌دادیم، باز او را به صورت یک مرد می‌فرستادیم و تا زمانی که اشتباه می‌کنند امر را بر آنان مشتبهِ می‌کردیم) پایان کلام سید احمد الحسن.

می‌گویم: حال که از کلام سابق ثابت شد، روّیا از معجزات امام مهدی (ع) است و همگام با فرآیند ظهور است، و اولین چیزی که ظهور مقدس به وسیله‌ی آن آشکار می‌شود، صبحه است. پس مناسب‌تر است که صبحه به وسیله روّیا باشد. در نتیجه بهتر این است که روّیا و صبحه در یک مصداق خارجی با هم جمع بشوند؛ چون زمانشان یکی است و حقیقت هر دو یکی است؛ زیرا صبحه، از جبرئیل است که یک فرشته است و روّیا نیز از سوی فرشتگان است.

(زمانی که ماه رمضان موافق شب جمعه شود، این صبحه واقع خواهد شد که شخص خوابیده را بیدار می‌کند و شخص ایستاده را می‌نشاند و پرده نشین‌ها را از پشت پرده بیرون می‌کشد در شب جمعه. پس هرگاه نماز صبح روز جمعه را خواندید، به خانه هایتان وارد شوید، و درهای خانه هایتان را ببندید و منافذ را مسدود کنید و خود را در جامه بیپچیید و گوش‌هایتان را ببندید، پس زمانی که صبحه را حس کردید، به سجده بیفتید و بگویید: (سبحان القدوس ربنا القدوس) که هر کس این کار را بکند، نجات می یابد و هر کس چنین نکند، هلاک می‌گردد) (الملاحم والفتن – لابن طاووس: ص۴۲).

هرکس در خواندن این روایت دقت کند، چند

نکته را نتیجه می‌گیرد:

الف- هرکس به دنبال شنیدن صبحه باشد و منتظرش باشد، اسباب آمادگی را برای آن فراهم می‌کند و یا به صحراها یا بالای بام خانه‌ها می‌رود. نه این که درها را و منافذ و گوش‌ها را ببندد. تازه خود را در جامه پیچیدن، با فهم ظاهر آیه تعارض دارد.

ب- اگر به معنی ظاهری روایت تن بدهیم و صبحه مادی باشد و آن قدر قدرت داشته باشد که با همه این کارها و پنهان شدن‌ها باز هم شنیده شود، پس چرا اصلا این همه کار انجام دهد؟ اگر صبحه به این حد شدید است؟ به گونه‌ای که علی‌رغم همه این پوشیده‌شدن‌ها باز هم شنیده می‌شود. بنابراین کسی جرأت انکار آن را ندارد ... اما در روایات ثابت است که انکارش می‌کنند. ج- اقدام به همه تدابیر پستن راه‌های صبحه، مستلزم این است که قبلاً آن را شنیده باشد یا حداقل قبل از وقوع صبحه، از طریق کسانی که قبلاً (یعنی قبل از نماز صبح) آن را شنیده اند، مطلع شده باشد (طبق روایت) و بعد از آن، تدابیر لازم برای بستن راه صبحه را عملی نماید و منتظر شنیدن باشد و سپس آن را بشنود و پس از آن شکر خدای را به جای آورد. این نیز با معنی ظاهری و معروف صبحه تعارض دارد. بلکه برای حل تعارض نیاز به نمادشناسی هست.

د- این که فهم روایت یک فهم رمزی است و صبحه یک امر غیرمادی است، و اولین تعارض به این صورت حل می‌شود که تمام تدابییری که برای بستن مسیرهای صبحه هست برای حفاظت از دنیای خارجی مادی است (یعنی صبحه‌ی ابلیس) تا زمینه برای شنیدن صبحه‌ی حق از طریق عالم ملکوت فراهم شود. یعنی قطع تمام راه‌های ارتباطی با بت پرستی‌های محیط خارج، و این مانع‌هایی که رسول خدا ما را به ایجاد آن تشویق می‌کند، فقط وسیله‌ای اطمینان بخش است و انجامش برای شنیدن حق و دوری از شبهات باطل و کارشکنی و وسوسه‌های شیاطین است و این امر را حوادث کنونی اثبات کرده است؛ زیرا گروهی از علما به حجیت روّیا اقرار ندارند.

بلکه سیستمی به صورت علنی و آشکارا فتوا به تکذیب کسانی داده است که ادعا می‌کنند امام مهدی(عجل الله فرجه) را دیده‌اند. (به کتاب پاسخ کوبنده به منکران رویت قائم (ع) مراجعه کنید) پس این امر چه معنایی به جز تکذیب صبحه می‌تواند داشته باشد؟ اما ایشان خود را در جایگاه ابلیس ملعون قرار داده‌اند و صبحه‌ی باطل را ساختند و با همه امکاناتشان آن را به راه انداختند.

هـ- این که صبحه در شب ۲۳ ماه رمضان بوده و سپس باید منتظر شنیدن آن پس از طلوع آفتاب باشیم، بر معانی نمادینی دلالت دارد که سید احمد الحسن(حفظه

الله) در کلامی به این مضمون به آن اشاره کرده است: این که صبحه در آن شب مبارک است که همان لیلة القدر می باشد، امضاء و تقریر صبحه در آن شب از آن سال خواهد بود که وضعیت آن، مانند همه‌ی مقرراتی است که همه‌ساله در آن شب برای همه‌ی مخلوقات رقم می‌خورد (به حسب روایات اهل بیت). بنابراین، صبحه در آن شب موعود، نافذ و امضا شده است و این بدان معنی نیست که فقط شنیدنش در آن شب اتفاق می‌افتد (آن‌گونه که مردم گمان می‌کنند) بلکه صبحه در شب قدر ثابت می‌شود و ابتدای شنیدن طنینش، از آن شب است. سپس تا همه‌ی روزهایی که بعد از آن می آید، ادامه می یابد ... از جمله چیزهایی که خوب است به آن اشاره شود، این است که بعضی روایات تصریح دارند که صبحه‌ی جبرئیل در ابتدای شب است که این کلام به صبحه یک صورت عمومی می‌بخشد که کاملاً از ظاهر روایات دور است؛ زیرا آخرین فاصله زمانی در غیبت کبری یعنی قبل از ظهور که طبیعتاً بازه‌ی زمانی ظلمت و سرگردانی و دوری از راه خداست و در نتیجه تاریکی شب سیاه است و این همان چیزی است که از آن به (اول شب) تعبیر شده است که قبل از ظهور است و آن وقوع صبحه‌هایی قبل از صبحه‌ی موعود است و روایات قبل به این امر اشاره کردند که در عالم خارج، روّیاهایی هستند که بسیاری از مردم سال‌ها قبل از وقوع جریان احمد الحسن (فرستاده‌ی امام مهدی (ع)) دیده و از آن خبر داده‌اند. سپس بعد از آن، صبحه‌ی رمضان موعود است که اعلام فتح مبین (گشایش آشکار) خواهد بود. هم‌چنین گشوده شدن درهای ملکوت به وسیله‌ی روّیا برای خلائق، هر کس به نسبت خودش و روایت در اینجا به نماز صبح منتقل می‌شود که طبعاً بعد از صبحه است و مقصود از فجر، همان ظهور مقدس و فراگیر شدن آن است.(والله اعلم) به همین خاطر رسول خدا با عبارت امری فرمود: شما زمانی که صبحه در شب جمعه صورت گرفت و خبرش منتشر شد (نماز صبح) به خانه‌هایتان وارد شوید و ... یعنی تلاش کنید که از حق مطمئن شوید آن هم فقط از راه انقطاع و تنها شدن با خدا و به هیچ صدای مادی که حق را از شما دور کند و ضایع نماید، گوش ندهید و سپس فرمود: زمانی که صبحه را احساس کردید (یعنی از طریق روّیا)، حضرت در صورتی این حرف را می‌زند که قبلاً فرموده بود: صبحه در شب قبل واقع شده‌است و شنیدن آن را بعد از آن نفی نمی‌نماید. بلکه به آن تشویق می‌نماید ... و بدین‌گونه معنی روایت روشن می‌شود. این شاه الله، و سیاس فقط از آن خداست.

در نهایت، نظر شهید محمد صادق صدر در کتاب (الموسوعة المهدیة:ج۳ ص۱۲۴) را درباره این موضوع به اطلاع خوانندگان می‌رسانم که سه نظریه را درباره‌ی صبحه بیان می‌کنند:

الف- صدایی عظیم در آسمان که حامل معانی کلام باشد که این وجه حامل صفت اعجاز است.

ب- صدایی در آسمان از ماورای طبیعت مادی؛ زیرا صدای یکی از فرشتگان است که این وجه نیز صفت اعجاز دارد.

ج- صدای جنگ و بمباران و موشک‌ها.

سید شهید به طور خلاصه می‌گوید: (صدای هولناک به معنی صبحه است؛ زیرا آن دو، یک آیه و نشانه است که گردن‌های دشمنان خدای سبحان در مقابلش خاضع خواهد گشت و طبق نظریه‌ی دوم، ترس و وحشت قلبی دشمنان خدا، ناشی از صدای جبرئیل امین است. اما این صدا برای مومنان، بشارتی بزرگ است که نزدیکی فرج و ظهور را نوید می‌دهد و به همین خاطر، این صوت، اهمیت فراوان می‌یابد که شخص خوابیده از آن بیدار می‌شود و شخص بیدار می‌ترسد و دختر پرده‌نشین از پشت پرده بیرون می‌آید) (الموسوعة المهدیة: ج۳ ص۱۲۴). پایان کلام سید صدر.

معنی این کلام این است که نظر شهید مطابق حقیقت است که صدای جبرئیل در قلب‌هاست نه در گوش‌ها و این اتفاق نمی‌افتد مگر از طریق روّیا و مکاشفه.

در پایان، به همه‌ی مردم و هر جوینده‌ی حقیقی می‌گویم: صبحه هم‌اکنون به همراه سید احمد الحسن (حفظه الله) در آسمان رفت و آمد می‌کند. اما شما بر قلب‌هایتان حجاب افکندید و در گوش‌هایتان پنبه نهادید؛ زیرا کسی که صبحه را نمی‌شنود و تصدیقش نمی‌نماید، به آن ایمان نخواهد آورد. این همه تکبر بر فرستاده‌ی امام مهدی(ع)بلکه بر خود امام مهدی (ع) و بلکه بر خدای سبحان متعال برای چیست؟؟؟

«لا حول و لا قوة الا بالله»



حسین(ع) فرمود: «منادی از آسمان به نام مهدی ندا سر می‌دهد. افرادی که در مشرق و مغرب هستند، می‌شنوند. تا جایی که هیچ خوابده‌ای باقی نمی‌ماند، مگر اینکه بیدار شود و ایستاده‌ای نیست، مگر اینکه بنشیند و نشستهای باقی نمی‌ماند، مگر اینکه از روی ترس، روی پاهایش بایستد. خداوند فردی که آن صدا را بشنود و پاسخ دهد، رحمت کند. صدای اول، صدای جبرئیل روح الامین(ع) است.»
و آخر عقد الدرر ایضا بسنده عن المعجم الطبرانی و من مناقب المهدی (ع) لابی نعیم ، و رواه الحافظ ابو نعیم بن حماد فی کتاب الفتن قال: «اذا نادى مناد من السماء، ان الحق فی آل محمد ، فعند ذلك يخرج المهدی (ع).» عقد الدرر : حدیث ۱۸۳ الباب السادس .
ابن حماد می‌گوید: «اگر منادی از آسمان ندا دهد: حق در آل محمد است، در این هنگام است که مهدی(ع) خروج می‌کند.»



صبحه در کتاب‌های اهل سنت و جماعت

بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم صل على محمد وال محمد الاتمة والمهدين وسلم تسليما
(ينابيع المودة للقندوزي الحنفی): فی قوله تعالى: «واستمع يوم ينادى المناد من مكان قريب يوم يسمعون الصيحة بالحق ذلك يوم الخروج» عن الصادق (رضی الله عنه) قال: «ينادى مناد باسم القائم واسم آية (عليهما السلام) والصيحة في هذه الآية صيحة من السماء، وذلك يوم خروج القائم.»
ينابيع المودة قندوزی حنفی در مورد سخن خداوند متعال: «و روزی که منادی از جایی نزدیک ندا درمی‌دهد، به گوش باش. روزی که فریاد [رستاخیز] را به حق می‌شنوند، آن [روز] روز بیرون آمدن [از زمین] است.» از صادق رض که فرمود: «منادی به نام قائم و نام پدرش(ع) ندا می‌دهد. صبحه در این آیه، صبحه از آسمان است و این روز خروج است.»
(البیان للكنجی الشافعی): عن عبد الله بن عمر قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): «يخرج المهدى على رأسه غمامة فيها مناد ينادى: هذا المهدى خليفة الله فاتبعوه.» قال في (البرهان): قال في (عقد الدرر): وهذا النداء يعم أهل الأرض ويسمع أهل كل لغة بلتهم.
بیان کنجی شافعی از عبدالله بن عمر که می‌گوید: رسول الله(ص) فرمود: «مهدی خروج می‌کند؛ در حالی که ابری روی سرش است که در آن، منادی است که ندا می‌دهد: این مهدی، خلیفه خداوند است. از او دنباله‌روی کنید. در برهان می‌گوید: در عقد الدرر می‌گوید: این ندا شامل همه مردم زمین می‌شود و هر فردی با زبان خودش می‌شنود.»
(إسعاف الراغبين للصبان الحنفی): وجاء في روايات أنه عند ظهوره ينادى فوق رأسه ملك: «هذا المهدى خليفة الله فاتبعوه.»
إسعاف الراغبين صبان حنفی: در روایات است که هنگام ظهورش فرشته‌ای بالای سرش ندا می‌دهد: «این مهدی خلیفه خداوند است. از او دنباله‌روی کنید.»
(البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان): أخرج أبو نعیم عن علی قال: «لا يخرج المهدی حتى يقتل ثلث ويموت ثلث ويبقى ثلث.»
برهان فی علامات مهدی آخر الزمان: علی فرمود: «مهدی خروج نمی‌کند، تا اینکه یک سوم کشته شوند و یک سوم بمیرند و یک سوم باقی بمانند.»
(ينابيع المودة للقندوزي الحنفی): عن أبي أمامة قال: خطبنا النبي (صلى الله عليه وآله)، وذكر الدجال، وقال: «فتتفى المدينة الخبيث كما يتفنى الكبر خبيث الحديد ويدعى ذلك اليوم يوم الخلاص، فقالت أم شريك: فأين العرب يومئذ يا رسول الله؟ قال: هم يومئذ قليل وجلهم بيت المقدس وإمامهم المهدى (عليه السلام).»
ينابيع المودة قندوزی حنفی: ابی امامه می‌گوید: پیامبر(ص) برای ما خطبه خواند و یادی از دجال کرد و فرمود: «از مدینه بدی می‌رود، همان‌طور که دم آهنگری بدی آن را می‌برد و آن روز به روز رهایی نامیده می‌شود. ام شریک عرض کرد: ای رسول الله! عرب در آن روز کجايند؟ فرمود: آنان در آن زمان، اندک هستند و همه آنان در بیت المقدس هستند و امام ایشان مهدی(ع) است.»
السيوطی- الدر المنثور - الجزء: (۶) - رقم الصفحة ۵۹- وأخرج ابن أبي شيبة عن عاصم بن عمرو البجلي (ر) قال: «لينادين باسم رجل من السماء لا ينكره الذليل ولا يمتنع منه الدليل.»
عاصم: «به نام مردی از آسمان ندا سر داده می‌شود که دلیلی آن را انکار نمی‌کند و راهنمایی از او سر باز نمی‌زند.»
قال في عقد الدرر : عن ابی عبدالله الحسين بن علی (ع) انه قال: «... و ينادى من السماء مناد ، باسم المهدى ، فيسمع من المشرق و المغرب ، حتى لا يبقى راقدا الا استيقظ ، و لا قائم الا قعد و لا قاعد الا قام على رجليه فزعا ، فرحم الله من سمع ذلك الصوت فاجاب ، فان الصوت الاول صوت جبرائيل الروح الامين (ع) » / عقد الدرر : حدیث ۱۴۸ الباب الرابع .

نشان‌های ظهـ

امام صادق علیه السلام فرمود:

قبل از قیام قائم، پنج علامت حتمی خواهند بود:
یمانی و سفیانی و صیحه و کشته شدن نفس زکیه و فرو رفتگی در سرزمین بیداء.

إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب ج 2 ص 119

﴿وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا

وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ﴾

و هنگامی که حکم (قهر) ما فرا رسید، ما شعیب و کسانی را که با او ایمان آوردند به لطف و مرحمت خود نجات دادیم،

و ستمکاران را صیحه عذاب فرا گرفت

که صبحگاه همه در دیار خود هلاک شدند.

﴿هود: ۹۴﴾

www.zamanezohoor.com

سایت رسمی هفته نامه زمان ظهور:

آدرس روم مسنجر انصار امام مهدی (ع) :

صفحه رسمی مکتب شریف نجف اشرف به زبان فارسی

سایت رسمی دعوت انصار امام مهدی (ع)

paltalk lil Ansar Emam Mahdi 10313 lil

FB/ALnajafALashraf313

www.almahdyoon.co